

بررسی علل مهاجرت نخبگان به ایران در طول تاریخ؛ با تأکید بر مهاجرت علمای جبل عامل و نسطوری

غلامرضا جمشیدی‌ها*

زهرا میرحسینی☆

مطالعه تاریخ تمدن جهان نشان می‌دهد؛ همواره جایگاه رفیع علم و تمدن متعلق به منطقه و یا سرزمین خاصی نبوده و هرازگاهی کشوری در نقطه‌ای از کره خاکی این جایگاه را به خود اختصاص داده است. از این رو مهاجرت به عنوان راه‌حلی سودمند برای دستیابی به منابع علم و دانش و کسب فرصت‌های بهتر زندگی همواره مورد توجه اقشار و گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نخبگان قرار گرفته است.

نتیجه پژوهش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که ایران زمین نیز در دو دوره: عصر انوشیروان ساسانی و دوران پادشاهان صفویه با مهاجرت دسته جمعی علمای نسطوری و عاملی مواجه شده است. نویسندگان در این مقاله تلاش نموده‌اند تا با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی و تکنیک مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، علل مهاجرت اندیشمندان و نخبگان در این دو دوره را شناسایی نموده، بسترهای مناسب علمی، فرهنگی و اجتماعی ایران آن روزگار را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، نخبگان، ساسانیان، صفویه، علمای نسطوری، علمای جبل عامل، عوامل جاذبه، عوامل دافعه.

مقدمه

پایان جنگ جهانی دوم، آغازی بود بر شکل‌گیری حیات نوین کشورهای غربی و پیشرفت روزافزون اقتصادی و صنعتی این کشورها که با گسترش جریان جهانی‌سازی شتاب بیشتری

gjamshidi@ut.ac.ir
sz_mirhoseini@yahoo.com

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
☆ دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه تهران

می‌یافت. جریانی که در ظاهر قصد داشت تا با درنوردیدن مرزهای بین کشورها توسعه متوازن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در سطح جهان به وجود آورد، ولی اهداف اولیه آن محقق نشده و روند جهانی شدن به گونه‌ای نابرابر در مناطق مختلف جهان پیش رفت، به گونه‌ای که موجب پدید آمدن کشورهای جهان سوم شد. اختلاف زیاد ثروت و سطح زندگی، کشورهای صنعتی (جهان اول و دوم) را از کشورهای جهان سوم که بیشترین جمعیت کره زمین نیز در آن‌ها زندگی می‌کنند، جدا ساخت. بنابراین تعدادی از کشورهای غربی در شرایط جدید جهانی، به قطب‌های صنعتی و اقتصادی تبدیل شدند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۶۸). از این رو پیشرفت اقتصادی و صنعتی این کشورها موجب شد تا موج گسترده‌ای از مهاجرت‌ها در سال‌های بعد از دهه‌ی ۱۹۶۰ در جهان و به سوی این کشورها به وجود آید.

حاصل این جریان جذب سرمایه‌ها و اندیشه‌های سایر ملل بود، که منجر به توسعه هر چه بیشتر اقتصادی و صنعتی کشورهای غربی و تهي شدن کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از نیروهای متخصص و اندیشمند می‌شد. از این رو هفت کشور کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلستان و ایالات متحده به کشورهای ثروتمندی تبدیل شدند که شهرهای جهانی آن، مقصد نهایی بسیاری از مهاجرین در جهان شد. بیشتر این مهاجرین کسانی بودند که از کشورهای جهان سوم نظیر جامائیکا، هائیتی، فیلیپین، برمه و... به سرزمین‌های توسعه یافته مهاجرت می‌کردند. به‌طور مثال طی سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶ بیش از دویست و سی هزار مهاجر از کشورهای ذکر شده به شهر نیویورک مهاجرت کردند. (آبراهامسون، ۲۰۰۴: ۵۱-۵۲).

در این حال در تحقیقی که توسط صندوق بین‌المللی پول تحت عنوان برآورد فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه بر روی ۶۱ کشور کمتر توسعه یافته که حدود ۷۰ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهد، انجام گرفته است، نشان می‌دهد که بیشترین نرخ مهاجرت در این کشورها مربوط به افراد با تحصیلات عالی است (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۶۱). به‌ویژه آن‌که بعد از مواجهه کشورهای غربی با رشد بی‌رویه مهاجرت، تمهیدات و قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای پذیرش مهاجران و دریافت مجوز اقامت از سوی سیاست‌گذاران این کشورها اعمال گردید که موجب گزینشی‌تر شدن مهاجران شد. بر این اساس افراد زمانی حائز شرایط پذیرش و شهروندی می‌شوند که دارای تخصص، دانش و مهارتی باشند که قابلیت عرضه به بازارهای سرمایه و یا صنعت این کشورها را داشته باشد و در حقیقت با گذشت زمان، مهاجرت‌ها بیشتر به سوی نخبه شدن مهاجران پیش رفت.

بنابراین مهاجرت نخبگان از این جهت که موجب خروج سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی کشور می‌شد، آسیب و مسئله اجتماعی برای کشورهای مهاجرفرست قلمداد شد و مورد توجه

مستولان و کارشناسان علوم اجتماعی قرار گرفت، که در سال‌های اخیر بنا بر عقیده‌ی برخی کارشناسان این پدیده دامن‌گیر جامعه ما نیز شده است. چنانچه صندوق بین‌المللی پول در گزارش سپتامبر ۲۰۰۹ خود اعلام داشته است، در میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه‌نیافته دنیا، ایران رتبه اول را در آمار مهاجرت نخبگان کسب کرده است (صائمیان، ۱۳۸۷: ۲۷). صندوق بین‌المللی پول در این مورد گزارش داده است؛ سالانه حدود ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیل کرده به امید زندگی و یافتن موقعیت‌های شغلی بهتر از کشور خارج می‌شوند، که نتیجه آن خروج سالانه ۳۸ میلیارد دلار ارز از کشور است. طبق این آمار هم‌اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کنند. (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۶۱).

از این رو در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی برای ریشه‌یابی و حل این معضل اجتماعی و پیشگیری از مهاجرت نخبگان صورت پذیرفته است. نتایج این تحقیقات در وهله اول نشان می‌دهد، گرچه مهاجرت نخبگان در دهه‌های اخیر به عنوان مسئله اجتماعی وارد مباحث علوم اجتماعی و آسیب‌شناسی شده است، با این حال پیشینه مهاجرت اندیشمندان به گذشته‌های بسیار دور می‌رسد، دوره‌هایی که مسلماً جریان مهاجرت نخبگان بدین گونه که امروزه گسترش یافته، نبوده است.

بنابراین شاید بتوان ابتدایی‌ترین شکل مهاجرت نخبگان را به این صورت تصور کرد که در هر عصر و در هر سرزمین، وقتی قومی یا حکومتی به اوج اقتدار، پیشرفت و آبادانی می‌رسید، هنرمندان، نخبگان و متخصصان سایر جوامع را به خود جذب می‌کرد و یا برعکس هر زمان کشوری به علل مختلف زمینه‌های مساعد فعالیت‌های پژوهشی و علمی خویش را از دست می‌داد، محققان و اندیشمندان آن دیار به کشورهای امن با بسترهای مناسب علمی و تحقیقاتی، مهاجرت می‌نمودند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد سرزمین ایران نیز با قدمت هفت هزار ساله‌ای که دارد، همواره نقش مهمی در تاریخ تمدن جهان ایفا کرده است. از این رو در دوره‌های متعددی از گذشته پذیرای مهاجران عالم و اندیشمند سایر ملل جهان بوده است، که تحقیق در زمینه وضعیت مهاجرت نخبگان به ایران در طول تاریخ و شناسایی عوامل مؤثر بر این دسته از مهاجرت‌ها می‌تواند ما را در دست‌یابی به الگویی برای پیشرفت و تغییرات اجتماعی که سبب جذب نخبگان شود، یاری رساند.

بدین جهت در این مقاله، برای انجام مطالعه‌ای جامع در رابطه با مهاجرت به ایران در طول تاریخ، مهاجرت دسته جمعی دو گروه از نخبگان در دوران ساسانی و عصر صفوی مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. این تحقیق از آن جهت دارای اهمیت است که بررسی عوامل مؤثر بر

این مهاجرت‌ها و شناسایی بسترها و ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی کشورمان در این ادوار، می‌تواند راهنما و الگویی مناسب برای رشد و اعتلای هر چه بیشتر ایران امروز باشد.

مبانی نظری پژوهش

مهاجرت انسان‌ها به سرزمین‌های دیگر، قدمتی به بلندای حیات بشری دارد. هنگامی که انسان‌های گذشته، شرایط زندگی را در محیط خود نامساعد می‌یافتند، جهت دستیابی به موقعیت‌های بهتر زندگی به مهاجرت اقدام می‌کردند. مهاجرت بهترین راه برای انطباق با شرایط بی‌ثبات اجتماعی و طبیعی و کسب فرصت‌های جدید برای زندگی آسان‌تر بوده است. مهاجرت فرایند حرکت ارادی یا اجباری یک فرد یا گروهی از انسان‌ها از مکانی به مکان دیگر به قصد سکونت موقت یا دائم در آن مکان است. این فرایند با خود تحولاتی را در نگرش‌ها، فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی و اقتصادی افراد ایجاد می‌کند (جمشیدی‌ها و عنبری، ۱۳۸۳: ۴۸).

علاوه بر این، مهاجرت می‌تواند گونه‌های متفاوتی داشته باشد. بعضی از افراد بر اثر اجبار و اضطراب تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و برخی بر مبنای اراده و تصمیم فردی مهاجرت می‌نمایند. معمولاً مهاجرت‌های جبری، ناشی از فشارهای محیطی و مکانی زندگی مهاجران نظیر؛ جنگ و ناامنی، وقوع بلایای طبیعی و انسانی (بیماری‌های واگیردار) و غیره است و مهاجرت‌های اختیاری معمولاً به منظور کسب فرصت‌های بهتر زندگی اتفاق می‌افتد، که عمدتاً شرایط و موقعیت مساعد کشور مقصد نیز در این‌گونه از مهاجرت‌ها مؤثر است.

مهاجرت چه اجباری باشد، چه اختیاری ممکن است به صورت فردی و یا دسته جمعی رخ دهد. گاه گروهی از افراد یک سرزمین به دلایل مختلفی تصمیم به مهاجرت و ترک محل سکونت خویش به صورت موقت و یا دائمی می‌گیرند. در این میان آنچه باعث می‌شود تا فرد یا گروهی در جامعه، موطن خود را ترک کرده و زندگی در غربت را برگزیند، همواره موضوع مورد علاقه محققین و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و علوم سیاسی بوده است. این مسئله نشان می‌دهد، مهاجرت پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده بوده و ممکن است عوامل گوناگونی بر رخداد آن تأثیر بگذارد. برخی از محققین نظیر راونشتاین (۱۸۸۹) معتقدند که عوامل اقتصادی مهم‌ترین دلیل مهاجرت افراد و گروه‌های اجتماعی است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۰). از این رو هرگاه کشوری با بحران‌های اقتصادی نظیر فقر و بیکاری مواجه شود، بسیاری از اقشار آن برای داشتن زندگی بهتر تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

گرچه عوامل اقتصادی در مهاجرت‌ها اهمیت بسیار بالایی دارند، ولی نمی‌توان آن‌ها را

عوامل منحصر به فرد برانگیزاننده مهاجرت‌ها محسوب داشت و عوامل اجتماعی نیز در این امر تأثیرگذار می‌باشند. اورت، اس. لی^۱ در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ای درباره مهاجرت» یک نظریه کلی در مورد تأثیرات عوامل اجتماعی بر مهاجرت ارائه کرده است. نظریه لی به تئوری عوامل دافعه و جاذبه^۲ معروف می‌باشد. لی معتقد است که در هر مبدأ و مقصد مهاجرت، عوامل مثبت و منفی وجود دارد که مهاجرین را به خود جذب نموده یا آن‌ها را دفع می‌نماید (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۶۲). بر این اساس، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی وجود امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌دارد. نکته قوت نظریه لی تأکید وی بر نقش عوامل شخصی است. تحت تأثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳)

مهاجرت نخبگان، دانشمندان و صنعت‌گران در یک جامعه ممکن است به علت دافعه‌های جامعه مهاجر فرست و جاذبه‌های کشور مهاجرپذیر صورت پذیرد. امروزه بسیاری از کشورهای دنیا برای استفاده از تخصص صنعت‌گران ماهر و استعداد و دانش افراد نخبه جوامع توسعه نیافته، برنامه‌های بلندمدت و کلانی تدوین نموده‌اند. از طرفی نیز شرایط نامساعد کشورهای مهاجرفرست نظیر؛ عدم به کارگیری نیروهای عالم و نخبه، عدم شایسته سالاری و فضای بسته اجتماعی و سیاسی، باعث دفع نخبگان از کشورشان شده، آن‌ها را مجبور به مهاجرت می‌نماید.

اگر به گذشته‌های تاریخ حیات بشر برگردیم، در آن اعصار نیز نخبگان و اندیشمندانی را مشاهده خواهیم کرد که به علل گوناگونی تصمیم به مهاجرت می‌گرفتند که شاید دافعه یا جاذبه کشور مهاجر فرست و یا مهاجرپذیر در این تصمیم‌گیری آن‌ها نقش مهمی ایفا کرده باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد در این تحقیق که هدف، بررسی علل مهاجرت نخبگان به ایران در طول تاریخ است، می‌توان از تئوری جاذبه و دافعه «لی» در تبیین علل مهاجرت بهره گرفت.

1. Everet. S. lee

2. Pull and push theory

روش تحقیق

در این تحقیق از روش مطالعه موردی استفاده شده است. مطالعه موردی تفحصی عمیق در خصوص یک پدیده اجتماعی است. در این روش، محقق موضوع را به دقت مطالعه می‌نماید و شرح رویدادها و جریان‌ات مهم را جمع‌آوری می‌کند و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته، نتایج آن را ارائه می‌دهد. این روش زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که قصد بررسی پدیده‌ای را به صورت منفک از سایر عناصر و پدیده‌ها داریم و تأکید آن بر فهم و تفسیر رفتارها است. مطالعه موردی می‌تواند تک‌موردی و یا چندموردی باشد. تحقیق موردی منفرد، یک مورد را به صورت همه‌جانبه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد و تحقیق چندموردی، دربردارنده دو یا بیش از دو مورد است (ک.ین، ۱۳۷۶: ۶۰-۷۳).

نمونه مورد مطالعه

مهم‌ترین بخش مطالعه موردی، انتخاب مورد مناسب است. انتخاب مورد کاملاً مبتنی بر هدف است. در این‌جا چون هدف بررسی مهاجرت نخبگان به ایران در طول تاریخ است، بنابراین مهاجرت دو دسته علمای نسطوری در زمان انوشیروان ساسانی و علمای جبل عامل در عصر صفویه انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

نحوه گردآوری داده‌ها

در روش مطالعه موردی می‌توان در مجموع سه تکنیک مصاحبه، مشاهده و اسناد را برای جمع‌آوری داده‌ها به کار گرفت، که در این تحقیق از روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق استفاده شده است. مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که یا خواهان انجام تحقیقی تاریخی هستیم، یا آن‌که تحقیق مربوط به پدیده‌های موجود بوده ولی محقق در صدد شناسایی تحقیقات پیشین در مورد آن موضوع باشد یا آن‌که پژوهش نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید. باید توجه داشت که اصالت یک تحقیق اسنادی به منابع حائز اهمیت است که از آن استفاده می‌شود. هرچند که هرگز نمی‌توان ادعا کرد که تمامی اسناد، مدارک و کتب مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، بلکه همواره پاره‌ای از تحقیقات از دسترس محقق خارج است و یا در مقایسه با سایر منابع و اسناد کنار گذاشته می‌شوند. حتی ممکن است در برخی موارد، مورخین در ثبت کامل وقایع تاریخی دقت لازم را مبذول نداشته و بعضی ابعاد مسئله پنهان باقیمانده باشد، از این رو محقق ناچار است از روش‌های استنتاجی جهت تکمیل خلأ استفاده کند که طبیعتاً عنصر تازه‌ای بر واقعیت تاریخی

می‌افزاید. (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۲۵۶-۲۶۰).

پرسش‌های تحقیق

عوامل مؤثر بر مهاجرت علمای نسطوری به ایران در عصر انوشیروان ساسانی کدام است؟ چه عواملی باعث شد تا علمای نسطوری به سوی ایران جذب شده و به این سرزمین مهاجرت کنند؟ چرا علمای جبل عامل به ایران مهاجرت کردند؟ چه عواملی باعث شد تا علمای جبل عامل به سوی ایران جذب شده و این کشور را برای مهاجرت انتخاب کنند؟

اهداف تحقیق

این پژوهش دارای ۳ هدف کلی است:

۱. بررسی وضعیت مهاجرت اندیشمندان و نخبگان نسطوری در عهد انوشیروان ساسانی.
۲. بررسی وضعیت مهاجرت اندیشمندان و نخبگان جبل عاملی در زمان صفویه.
۳. بررسی زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی-اجتماعی ایران در گذشته تاریخی برای جذب نخبگان.

یافته‌های تحقیق

دیرزمانی کشورهای مشرق زمین طلیعه‌دار علم و تمدن بودند و در مقابل سهم کشورهای غربی و اروپایی، تاریکی قرون وسطایی بود. پیشگامی تمدن مشرق زمین و ویژگی تأثیرپذیری تمدن غرب باستان از شرق باستان آن‌چنان بدیهی و برای تاریخ‌نگاران غربی مشهود و موجه می‌باشد که از آن میان ویل دورانت^۱ در تاریخ تمدن غرب خود بخش آغازین آن را تحت عنوان «مشرق زمین گاهواره تمدن» به بررسی تمدن مشرق زمین و تأثیرپذیری غرب از آن اختصاص داده است. دورانت بر این مهم اصرار می‌ورزد که غرب باستان اصولاً در تمدن خود و امدار جهان شرق است. به نظر وی، در عهد باستان این مشرق زمین بود که مهد تمدن به شمار می‌رفت و این غرب باستان بود که نقطه عزیمت تمدنش الگوبرداری در جنبه‌های مختلف از جمله در نظام کشورداری و لشگرداری، مدیریت کلان سیاسی-اقتصادی و فرهنگی از مشرق زمین، از ایران و

1. Will Durant

مصر و هند و چین بوده است. (ویل دورانت به نقل از رهنمایی، ۱۳۸۲: ۳۱) بر این اساس، مطالعه تاریخ تمدن ایران زمین نشان می‌دهد این سرزمین همواره محلی برای فعالیت‌های علمی و تبادل علم و دانش اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی بوده و به این علت نخبگان و اندیشمندان سایر ملل جهان را به داخل مرزهای خویش جذب کرده است. نویسندگان در این مقاله تلاش نموده‌اند تا با مطالعه مهاجرت دسته‌جمعی نخبگان نسطوری و جیل عاملی در عصر ساسانی و صفویه، چگونگی و علل مهاجرت این اندیشمندان و همچنین عواملی که سبب شده آنان از کشور خویش رانده شده و به سوی ایران جذب شوند، مورد شناسایی و بررسی قرار دهند.

مهاجرت اندیشمندان و نخبگان در عصر انوشیروان ساسانی

در دوران انوشیروان چند تن^۱ از فلاسفه یونان، بنا به عللی که شرح آن در ذیل آمده است، پس از آن‌که در اثر تعقیب رومیان از کشور خویش خارج شدند، به سرزمین ایران مهاجرت کردند. در طول تاریخ این دسته از مهاجرین به علت مرام و مرادی که داشته‌اند به علمای نسطوری مشهورند که ما نیز در این مقاله از آن‌ها با این عنوان یاد می‌کنیم.

دکتر محمدی در کتاب فرهنگ ایرانی پیش از اسلام می‌نویسد:

مهاجرت این دسته از مسیحیان به ایران در اثر اختلافی بود که در نتیجه تأثیر فلسفه یونانی در دین مسیح بین پیروان مدرسه انطاکیه و مدرسه اسکندریه به وجود آمده و اقامت این دسته را در وطن خود دشوار ساخته بود. موضوع اختلاف این بود که آیا مسیح دارای یک طبیعت است که در عین حال هم طبیعت خاکی و هم طبیعت ملکوتی است، یا این که دارای دو طبیعت است یکی انسانی و دیگری خدایی. چون رئیس مدرسه انطاکیه کشیشی به نام نسطور بود از این رو پیروان این مدرسه به نام نسطوریان معروف شدند. این اختلاف کم‌کم شدت یافت و بالأخره در سال ۴۳۱ میلادی منجر به تشکیل انجمن بزرگی گردید که در این موضوع اظهار نظر نماید و عقیده یکی از دو طرف را برگزیند. انجمن حق را به اسکندریه داد و چون نسطوریان این امر را نپذیرفتند «زینو» امپراتور روم مدرسه آن‌ها را که در شهر «رها» بود، بست و ایشان را مجبور به مهاجرت کرد. نسطوریان به دولت ایران پناه آوردند. دولت ساسانی هم به ایشان اجازه داد تا مدرسه خود را در «نصیبین» دایر نمودند و عده‌ای از آن‌ها هم به جندی شاپور آمده

۱. دکتر محمدی در کتاب فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، تعداد این مهاجران را هفت نفر اعلام کرده است. (محمدی ملایری، ۱۳۸۴، ۲۰۹-۲۳۵).

و در آن‌جا سکنی گزیدند و به تدریس کتاب‌های علمی و پزشکی یونانی که با خود آورده بودند پرداختند.» (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۲۳۲-۲۳۳).

به نظر می‌رسد مهاجرت نخبگان نسطوری به ایران به علل ذیل صورت پذیرفته است؛ که می‌توان آن‌ها را در ذیل عناوین عوامل دافعه و عوامل جاذبه طبقه‌بندی نمود.

۱. عوامل دافعه

در این‌جا مجموعه‌ای علمی که از درون مرزهای روم باستان زمینه‌ساز مهاجرت علمای نسطوری شده، تحت عنوان عوامل دافعه برشمرده می‌شود. در حقیقت این عوامل با قدرت دافعه‌ای که داشته‌اند، زمینه مهاجرت علمای نسطوری را از کشور خویش فراهم نموده‌اند.

۱-۱. عوامل سیاسی: عدم امنیت جانی از سوی دستگاه حاکم

یکی از عوامل مهم مهاجرت که در دنیای امروز نیز دارای اهمیت است، عامل سیاسی و مخالفت دستگاه حکومتی با فعالیت‌های مهاجران در داخل کشور است. تاریخ نشان می‌دهد در گذشته نیز وضع بدین منوال بوده و در بسیاری از موارد تهدیدات داخلی و حاکمیت یک کشور، باعث مهاجرت نخبگان آن شده است.

۱-۲. عوامل فرهنگی: تعصب، یکسوی‌نگری علمی-فرهنگی و عدم امکان فعالیت علمی

تعصبات عقیدتی و بسته شدن فضای نقد و گفت‌وگو از جمله عواملی است که مانع رشد و تعالی اندیشه‌ها می‌شود. از طرفی دیگر این مسئله می‌تواند شادی و نشاط علمی را در جامعه از میان برده، زمینه‌ساز مهاجرت نخبگان و اندیشمندان شود. در روم باستان نیز چون فضای نقد و گفت‌وگو برای تمام اندیشه‌ها و عقاید فراهم نبود، علمای نسطوری تصمیم به مهاجرت گرفتند.

۲. عوامل جاذبه

علاوه بر عوامل ذکر شده که همگی ناشی از فشارهای داخلی و مشکلات سرزمینی مهاجران است، مسلماً شرایط مساعد ایران آن روزگار هم برای جذب این نخبگان بی‌تأثیر نبوده و زمینه‌ساز ورود این افراد به ایران و اقامتشان در مرکز علم آن روزگار، یعنی شهر جندی‌شاپور و

متعاقب آن فعالیت‌شان در دانشگاه جندی‌شاپور شده است، که در مجموع تحت این عناوین می‌توان به شرح آن پرداخت:

۱-۲. عصر انوشیروان؛ عصر رونق علم و فرهنگ باستان

در عصر ساسانیان کشور ایران که از لحاظ جغرافیایی در میان دو جریان فکری شرق (تمدن‌های هندوچین) و غرب (تمدن‌های یونان و روم) قرار داشت، بهترین مرکز داد و ستد فرهنگی به شمار می‌رفت و به همین جهت بود که هر زمان پادشاه یا حاکمی دانش دوست بر تخت ایران می‌نشست و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی فرصت مناسبی فراهم می‌شد، جنبش علمی نیز آغاز می‌شد. کریستین سن در کتاب *ایران در زمان ساسانیان* که یکی از پژوهش‌های کم‌نظیر دربارهٔ عصر ساسانی است می‌نویسد؛ «عنایت پادشاه ایران به علم و دانش فقط مختص یونانیان و رومیان نبوده و در این عصر [ایرانیان] با هندیان نیز مراودات علمی و فرهنگی بسیاری داشته که از آن جمله می‌توان به سفر پرزویه طبیب به هند و همچنین ترجمهٔ کتب هندی به زبان پهلوی اشاره نمود.» (کریستین سن، ۱۳۶۸: ۴۱۳ - ۴۲۰).

در زمان ساسانیان به‌ویژه در زمان انوشیروان و آغاز عصر نهضت فرهنگی ایرانی، ایرانیان به دانش روز زمان خود دست یافتند. در این عصر با تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور اندیشمندان و دانشمندان زیادی گرد هم جمع شدند، تا آن‌جا که این دانشگاه حتی بعد از حملهٔ اعراب به ایران و انقراض سلسلهٔ ساسانی نیز به کار خود ادامه داد و در پایه‌گذاری و رونق علم و فرهنگ اسلامی در بغداد نقش مهمی ایفا کرد (سجادی، ۱۳۷۶: ۲۷۲).

۲-۲. فراهم بودن زمینهٔ فعالیت و تحقیقات علمی

زمینهٔ فعالیت علمای نسطوری در ایران به دو دلیل فراهم بود:

الف. اجازهٔ تأسیس مدرسه

اجازهٔ تأسیس مدرسه در شهر نصیبین و امکان تدریس کتاب‌های علمی و پزشکی یونانی، امتیازی بود که از سوی حکومت وقت ایران به علمای نسطوری اعطا شد، از این رو فرصت فعالیت علمی و پژوهشی برای ایشان در ایران فراهم شد.

ب. امکان فعالیت در دانشگاه جندی‌شاپور:

جندی‌شاپور شهری در شمال غربی خوزستان و بین شهر شوشتر و خرابه‌های شوش بوده و چنان‌چه که مشهور است سنگ بنای آن در زمان شاپور ساسانی و به منظور استقرار اسیران رومی و یونانی بنا نهاده شده است (سجادی، ۱۳۷۶: ۲۶۹). از مهم‌ترین دلایل شهرت جندی‌شاپور، حضور اندیشمندان و محققین ملل مختلف در این دانشگاه است که از اقصی نقاط

جهان در آن گرد آمده بودند. دانشمندانی از هند، یونان و روم در کنار دانشمندان سریانی و ایرانی به تحقیق و پژوهش به‌ویژه در علم پزشکی و طب می‌پرداختند. هر چند که در آن روزگار مدارس دیگری نیز در عالم مسیحیت وجود داشته است که در هر یک از آن‌ها کم و بیش علمی تدریس می‌شده، ولی به واسطه این‌که آن مدارس هم مانند مؤسسات دیگر مسیحی در زیر نفوذ کلیسا بوده‌اند، دانش‌های دیگر غیر از آنچه با دین مسیحیت بستگی داشته در آن‌ها پیشرفتی نکرده و تدریس سایر علوم در درجه دوم و سوم اهمیت قرار داشته است. همچنین در مدارس آسیای غربی و یونان فقط طب یونانی تدریس می‌شده و در مدارس هندی هم فقط طب هندی، ولیکن در جندی شاپور چنین نبوده است. (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۲۳۹)

مهاجرت علمای نسطوری به ایران این فرصت را برای آنان فراهم کرد، تا بتوانند در دانشگاه جندی شاپور به تحقیق و پژوهش پرداخته، دانش خویش را عرضه نمایند. این مرکز علمی از چنان جایگاه محکمی در جهان آن روزگار برخوردار بود که حتی بعد از حمله اعراب به ایران نیز سال‌ها به فعالیت خویش ادامه داده و هم‌زمان با طلوع اسلام در ایران در اوج شکوه و شهرت بود تا این‌که کم‌کم این جایگاه رفیع علمی در سال‌های بعد و با گسترش نهضت فرهنگ اسلامی، به بغداد که مرکز خلافت اسلامی بود منتقل شد.

۲-۳. فضای باز اجتماعی و سیاسی

کریستین سن در کتاب *ایران در عصر ساسانیان* می‌نویسد: «در دوره خسرو انوشیروان مقدمات یک نهضت علمی و ادبی در ایران از هر جهت فراهم شده بود و دل‌بستگی‌های وی به پیشرفت علم و دانش، آن را تقویت می‌نمود. از مطالعه تاریخ این عصر می‌توان پی برد که در روزگار انوشیروان برای پیشرفت و گسترش علوم کارهایی صورت گرفته که در آن دوره کاملاً برجسته و نمایان بوده است.» (کریستین سن، ۱۳۶۷: ۴۲۲-۴۱۰).

دوران انوشیروان گذشته از تأثیری که از جنبه عمومی در پیشرفت تمدن جهان داشته از لحاظ فرهنگ ملی ایرانی نیز یکی از دوره‌های برجسته تاریخ ایران به شمار می‌رود. چه در این دوره سعی می‌شد تا بار اندیشه‌ها و نتیجه مطالعات ملت‌های مختلف به زبان فارسی ترجمه شود و از این راه به سرمایه علمی این زبان افزوده گردد (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۲۱۲-۲۰۲) و علوم متعددی به صورت منظم جمع‌آوری شود. این مسئله سبب شده بود که اندیشمندان بسیاری از کشورها نظیر یونان، روم، هند و... برای استفاده از امکانات علمی دانشگاه جندی شاپور به ایران مهاجرت کنند.

۲-۴. ثبات سیاسی و وجود صلح و امنیت در ایران

شاید یکی از دلایل مهم چنین مهاجرتی آزادی مذهبی و صلح و امنیتی بود که بر ایران حاکم گشته بود. حدود یک قرن صلح و امنیت که به دنبال اتمام جنگ‌های ایران و روم برقرار گشت و علاوه بر این، اقدامات انوشیروان در اصلاحات درباری، نظام مالیاتی و...، تغییرات ساختاری را در نظام حکومتی ایجاد کرده بود که بنا بر گفته اکثر محققان زمان پادشاهی او را از سایر دوران ساسانی متمایز نموده بود. (کریستین سن، ۱۳۶۷:۴۲۲-۴۱۰).

۲-۵. عدم تعصب و یکسویگری

یکی از ویژگی‌های انوشیروان که او را از سایر پادشاهان ساسانی متمایز می‌کرد، عدم تعصب نسبت به عقاید مختلف دینی و مذاهب فلسفی است، چنان‌چه عیسویان را در مؤسسات عام المنفعه (عمومی) استخدام می‌کرد، برخلاف کشور روم که در همان عصر، برای مذاهب غیرنصرانی قیود سختی قائل شده بود (محمدی ملایری، ۱۳۸۴:۲۱۲-۲۰۲). در ادامه برای آشنایی محققان و اندیشمندان با موضوع مورد بررسی این مقاله، دومین نمونه مورد مطالعه از تاریخ بعد از اسلام یعنی دوره صفویه انتخاب شده است. در ذیل چگونگی و علل مهاجرت علمای جبل عامل به ایران عصر صفوی مورد بررسی قرار گرفته است.

چگونگی و علل مهاجرت علمای عاملی در دوران صفویه

با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ هجری قمری (آهنچی و صادقی علوی، ۱۳۸۹:۱۰) و روی کار آمدن دولت صفویه، علاوه بر تمرکز قدرت و ایجاد حکومت مرکزی مقتدر در ایران، این نخستین بار بود که حکومتی شیعه حاکمیت سیاسی کشور را در دست می‌گرفت. تشکیل حکومتی شیعه در مقابل امپراطوری سنی مذهب عثمانی، برای اقلیت شیعه و به‌ویژه علما و محققان اهل تشیع کشورهای تحت سلطه، نقطه عطفی بود که تا آن زمان برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی خویش در مضیقه بودند. در این بین، علمای شیعه منطقه جبل عامل لبنان، جزء شیعیانی بودند که با روی کار آمدن حکومت صفویه از فرصت پیش آمده استفاده کرده و به ایران مهاجرت کردند.

در رابطه با علل مهاجرت علمای جبل عامل به ایران نظریات متفاوتی مطرح شده است، اما نظریه عمومی رایج در خصوص این مسئله را می‌توان بدین‌گونه خلاصه کرد: اساس این مهاجرت در پی احساس نیاز دولت صفوی از یک سو و تمایل علما برای کمک به آن‌ها برای

بنای یک دولت شیعی اثنی عشری از سوی دیگر شکل گرفته است. بر اساس این رویکرد، دولت صفویه به علت فقدان علمای شیعه که بتوانند شعائر مذهبی آن‌ها را در قلمرو وسیع‌شان ترویج کنند، مجبور به دعوت از علمای جبل عامل شد. ولی به حکایت مدارک و شواهد تاریخی علت حضور مهاجران جبل عاملی را به نبود علمای طراز اول ایرانی نسبت دادن کار منطقی و منصفانه‌ای نیست، زیرا شاه اسماعیل به محض رسیدن به قدرت، منصب صدر را که در واقع مهم‌ترین منصب مذهبی-سیاسی بود، به شمس‌الدین گیلانی و پس از او به دیگر روحانیون ایرانی سپرد (صفت گل، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

در این میان، محققانی نظیر جعفر المهاجر ضمن اذعان به مهاجرت وسیع عاملی‌ها به ایران در طول دولت صفویه معتقدند: «دلایل عمده‌ای که علمای جبل عامل را مجبور به ترک زادگاه و مهاجرت به ایران نمود این بود که آنان از سویی تحت فشار دولت عثمانی قرار گرفته بودند و از سوی دیگر دولت صفوی به آنان امکان کسب وجهه و امتیازات دیگر می‌داد. بنابراین، آنان در جست و جوی شرایط و موقعیت بهتر برای فعالیت علمی و اجتماعی به ایران مهاجرت کردند.» (المهاجر به نقل از جوردی، ۱۳۷۷: ۲۱۱-۲۱۰).

نتایج حاصل از مطالعات کتب تاریخی عصر صفویه نیز مبین این ادعاست، چنان‌چه این مهاجرت تا پایان عصر صفویه همچنان ادامه داشته و تعداد مهاجران به بیش از نود نفر از صد و چهل و سه نفر علمای عاملی هم عصر صفویه، رسیده بوده است (المهاجر به نقل از صفت گل، ۱۳۸۱: ۱۴۸). البته با توجه به آن‌که مهاجرت برخی از این علما به هند، عراق، حجاز، یمن و سایر نقاط نیز گزارش شده، نظریه آزار و اذیت آنان توسط دولت عثمانی قوت بیشتری می‌یابد. همچنین تأکید منابع ذکر شده بر این‌که اکثر جبل عاملی‌ها به ایران مهاجرت کردند نیز می‌تواند به بسترهای مناسب کشور ایران در عصر صفویه اشاره داشته باشد که زمینه فعالیت و تعالی علمای شیعه را در آن روزگار فراهم نموده است.

پس در مجموع دو دسته عوامل دافعه و عوامل جاذبه در مهاجرت علمای جبل عامل نقش بسزایی داشته است:

۱. عوامل دافعه

منطقه جبل عامل در جنوب لبنان، از مناطق شیعه‌نشین است که سال‌ها تحت سلطه حکام سنی مذهب عثمانی اداره می‌شد و بسیاری از شیعیان منطقه با مشکلات اقتصادی و فقر مادی از یک سو و از سوی دیگر آزار، اذیت و تهدید برخی گروه‌های اکثریت مواجه بودند که موجبات طرد اجتماعی نسبی این جمعیت اقلیت را فراهم نموده بود.

در این بین اعدام شمس‌الدین محمد بن مکی عاملی معروف به شهید اول (۷۳۴-۸۶۱ ق) به اتهام دخالت آشکار او در گسترش تعالیم شیعی مغایر با تسنن راستین و طرح انواع اتهام‌ها علیه این شهید توسط حکام سنی شامل؛ رفض، هتک حرمت عایشه و دو خلیفه اول و... به دنبال آن محاکمه و مجازات وی به دست مقامات عثمانی جوی بسیار ناامیدکننده و هراس‌انگیز بر زندگی گروه‌های شیعی که انگ ارتداد خورده بودند، حاکم نمود. شهید اول با شمشیر به قتل رسید، سپس به دار آویخته و سنگ باران شد و آن‌گاه سوزانده شد. (حر عاملی به نقل از جوردی، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

پس از این ماجرا، فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی علمای عاملی در هاله‌ای از اضطراب و ترس از مجازات به دست مقام‌های حکومت عثمانی قرار گرفت. چنانچه عالم مشهور جبل عاملی؛ زین‌الدین بن علی بن احمد معروف به شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵) در حدود ده سال از زندگی‌اش را به صورت ناشناس و مخفیانه گذرانید و سرانجام نیز به دستور حکام عثمانی و به اتهام اتخاذ آرای فقهی مغایر با مذاهب فقهی چهارگانه سنی، مجرم و بدعت‌گذار معرفی شده و به قتل رسید. (جوردی، ۱۳۷۷: ۲۱۹-۲۱۸).

عاملی‌ها رویارویی‌های آشکاری با حکومت سنی داشتند، حکومتی که آن را به جهت مذهبی دشمن و از جهت سیاسی رقیب تلقی می‌کرد. به‌طور کلی چنین به نظر می‌رسد که قتل و ترور^۱ شهید ثانی، موضعی ضد عثمانی در آنان برانگیخته بود که اهمیت این مسئله از مطالعه چندین وقایع‌نامه مربوط به عصر صفویه نسبت به اهمیت ظلمی که بر عاملی‌ها در حکومت عثمانی می‌رفت، حاصل می‌شود. ظلمی که تقریباً به قطع موجب عزیمت حسین بن عبدالصمد (متوفای ۹۸۴ ق) از جبل عامل به عنوان عکس‌العملی در مقابل قتل استادش، «شهید ثانی» اتخاذ گردید. (روملو به نقل از جوردی، ۱۳۷۷: ۲۲۲).

با این حال نمی‌توان علت مهاجرت عاملی‌ها را تنها به عوامل داخلی و زمینه‌ای زادگاهشان تقلیل داد و از عوامل خارجی و بیرونی که مربوط به شرایط و موقعیت کشور ایران، به عنوان کشور مهاجرپذیر است، غفلت نمود.

۲. عوامل جاذبه

برخی محققان (نظیر حورانی، ۱۹۸۶، فرهانی منفرد، ۱۳۷۷ و...) معتقدند؛ مهاجرت علمای جبل عامل صرفاً به جهت فقدان علمای طراز اول ایرانی در ایران برای اجرای خواسته‌های دولت

۱. شهید ثانی در راه بازگشت از حج به دست مأموری که به دستور قاضی دولت عثمانی برای دستگیری فرستاده شده بود به قتل رسید.

نوپای صفوی در جهت ترویج شعائر مذهبی در قلمرو گسترده آنان بوده است. ولی این دیدگاه چندان قانع‌کننده و معتبر به نظر نمی‌رسد، چراکه صفویان از همان ابتدا علما و سادات ایرانی را به منصب صدر نشان‌دند (صفت گل، ۱۳۸۱: ۱۴۹) و تا پایان حکومت صفویه در اکثر مواقع این منصب در اختیار ایرانیان باقی ماند. از طرفی چنانچه مشهور است ایران بعد از ورود اسلام همواره مأمنی برای زندگی و فعالیت شیعیان و علمای اهل تشیع بوده است و این سرزمین را فاقد علمای طراز اول شیعه دانستن، چندان منصفانه به نظر نمی‌رسد. «خواندمیر» به تعدادی از علمای نخستین در زمان شاه اسماعیل اشاره دارد که به شیوه‌های فقهی موافق با مذهب اثنی‌عشری تربیت شده بودند؛ مانند: امیر نظام‌الدین عبدالحی و دیگران که در مسائل حقوق موضوعه و فقه (فروع و اصول) خبره بودند و مولانا عبدالعلی که در حدیث تبخّر داشت، امیر سید غیاث‌الدین محمد بن امیر یوسف که طی دوره حکومت اسماعیل اول منصب صدارت محلی داشته و شخصی صاحب دانش و اهل مطالعه در علوم دینی متعارف بوده است. (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۱۱۷-۱۱۸).

در مجموع عواملی که باعث جذب علمای جبل عامل به ایران شد را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود.

۲-۱. ساختار نوپای صفویه و نیاز به همکاری و حمایت علمای شیعه

ساختار جدید سیاسی-اجتماعی دولت صفویه که با رسمی شدن مذهب تشیع تغییراتی اساسی نسبت به گذشته حاصل کرده بود، نیازمند حمایت و پشتیبانی علما و نخبگان مذهبی بود تا بتواند با قدرت سیاسی و دینی خواسته‌ها و آرمان‌های حکومت صفویه را در کشور اجرا نماید. فقه شیعه برای زندگی اجتماعی-سیاسی مسلمانان احکام آشکاری دارد که در قالب احکام قضاوت و دادرسی، پرداخت مالیات و خراج و خمس و ذکات، نماز جمعه و... جلوه‌گر شده است که همگی آنها نیاز به علمای آگاه و مطلعی دارد که بتوانند آنها را به پیروان و مردم آموزش داده و اجرا نمایند. در این بین شاهان صفویه احتیاج به علمای اعلامی داشتند که علاوه بر قابلیت‌های دینی و مذهبی با آنها همراه و هم عقیده دائم باشند. از این رو به نظر می‌رسد علمای جبل عامل که تحت آزار و اذیت عثمانیان بودند و تا پیش از این به یمن، حجاز، حله، عتبات و دیگر نقاط مهاجرت می‌کردند، با درک این نیاز صفویان و همچنین دعوت آنها به سوی سرزمین ایران تغییر مسیر دادند.

۲-۲. تکریم علما توسط شاهان صفوی

تکریم علما توسط شاهان صفوی و سزاوارتر دانستن علما بر خود، از ویژگی‌های حکومت صفویان است.^۱ بنا به نوشته کتب تاریخی، شاهان صفوی اختیار امور شرعی را به علمای دینی واگذار کرده بودند و آنان را در این امور مستحق‌تر از خویش می‌دانستند. (افندی اصفهانی به نقل از صفت گل، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

۲-۳. امکان رشد و تعالی و کسب مناصب حکومتی

برخی از محققان نظیر عبدالرحیم ابوحسین ادعا کرده‌اند که عامل قطعی در مهاجرت عاملی‌ها به ایران، تلاش هوشمندانه آنان برای جست و جوی پست‌های مهم مذهبی و شناسایی اجتماعی آنان توسط یک قدرت دولتی بوده است. (ابوحسین به نقل از جوردی، ۱۳۷۷: ۲۱۰). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد مهاجرت پدیده اجتماعی چندوجهی است و بر این اساس نمی‌توان توقع داشت که همه علمای مهاجر، انگیزه‌ای یکسان و مشابه برای مهاجرت به ایران داشته باشند. میل به ترقی و تعالی در همه انسان‌ها وجود دارد و علمای جبل عامل نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند. چنان‌چه شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد، بسیاری از علمای عاملی در طول حکومت صفویه به مناصب عالی حکومتی و مذهبی^۲ در ایران نایل آمدند.

۲-۴. تبدیل شدن ایران به کانون اصلی شیعیان

با استقرار و استمرار حاکمیت سیاسی صفویان، ساختار دینی همراه با آن نیز مستقر و نهادی شد. در نتیجه رویه سیاسی-مذهبی صفویان، ایران به کانون اصلی شیعه اثنی عشری تبدیل شد.

۱. خوانساری در *روضات الجنات* خود نوشته است که شاه تهماسب صفوی به محقق کرکی گفته است که: «شما که امروز نائب امام هستید شایسته‌تر به مقام سلطنت هستید و من یکی از کارگزاران شمایم که اوامر و نواهی شما را به مرحله اجرا می‌گذارم، (خوانساری، ۱۳۵۵: ۱۶۸).

۲. سه نوه محقق کرکی، یعنی حسین المفتی (متوفای ۹۳۳ ق)، حسین المجدد (متوفای ۱۰۰۱ ق) و میرداماد (متوفای ۱۰۴۰ ق) هر کدام پرآوازه شدند و پست‌های مذهبی مهمی را در حکومت صفوی‌ها به دست آوردند. میرزا کمال‌الدین، میرزا بهاء‌الدین و میرزا شفیع هر کدام در قزوین شیخ‌الاسلام شدند. حسین المفتی در اصفهان مفتی و قاضی شد و پسرش میرزا حبیب‌الله به مقام صدری رسید. یکی از پسرانش در اصفهان ابتدا صدر و سپس وزیر شد. خواهرزاده (یا برادرزاده) میرزا حبیب‌الله، به نام میرزا ابراهیم در تهران قاضی شد و برادر کوچک‌ترش، جعفر، در همان شهر شیخ‌الاسلام بود. میرزا محمد معصوم (متوفای ۱۰۹۵ ق)، نوه میرزا حبیب‌الله نیز در اصفهان به مقام شیخ‌اسلامی رسید. (جوردی: ۱۳۷۷، ۲۱۴-۲۱۵).

و در پی آن شهرهای مذهبی مانند مشهد و قم اهمیت یافتند و پایتخت‌های صفویان از جمله اصفهان به صورت مهم‌ترین و برجسته‌ترین کانون‌های آموزش و پژوهش تشیع اثنی عشری درآمدند. همین امر اهمیت سایر شهرهای مذهبی بلاد اسلامی نظیر حله و عتبات عالیات و... را تحت‌الشعاع قرار داده، مسیر بسیاری از شیعیان و به‌ویژه علمای مهاجر را به سوی ایران متمایل کرد.

پیامدهای مهاجرت علمای عاملی به ایران

تأسیس حکومت صفویه که اولین تجربه زمامداری شیعیان است و مهاجرت علمای جبل عامل به ایران را به دنبال داشته، در مجموع دارای ثمرات و دستاوردهای ذیل بوده است:

۱. رویکردی که صفویه به دین و مذهب و نقش آن در اداره حکومت داشت، موجب تشکیل کانونی مطمئن و ایمن برای علمای شیعه در قلب حکومتی مقتدر شد که این مسئله از دو جهت حائز اهمیت است:

الف. حمایت شاهان صفوی از علمای شیعه ایرانی و غیرایرانی، موجب شد تا علمای شیعه از سایر بلاد به‌ویژه مناطق تحت نفوذ عثمانیان به ایران مهاجرت نمایند. مهاجرت این افراد در مجموع از یک سو موجب رشد و تعالی آن‌ها شده و بستری مناسب برای فعالیت‌های دینی و علمی آنان فراهم نمود و از سوی دیگر موجب پیشرفت خواسته‌های دولت صفویه برای ترویج هرچه بیشتر شیعه اثنی عشری در قلمرو خویش و حتی سایر بلاد مسلمین شد. از طرفی مهاجرت علما به ایران موجب رونق حوزه‌های علمیه موجود در بعضی شهرهای ایران مانند قم، مشهد و کاشان و همچنین تأسیس حوزه علمیه در اصفهان شد، که این امر مراکز و حوزه‌های علمیه شیعه در خارج از ایران را تحت‌الشعاع قرار داد. (صفت گل، ۱۳۸۱: ۲۲۸-۲۳۴).

ب. ساختار حکومتی شیعه در کنار فرهنگ ایرانی و زبان فارسی، زمینه شکوفایی فرهنگ ایرانی و اسلامی را بیش از پیش فراهم نمود که تجلی آن در شکل فارسی‌نویسی متون دینی آشکار است. گفتنی است که تا پیش از این اکثر متون دینی به زبان عربی نوشته می‌شد. (همان: ۶۰۱).

۲. همان‌طور که ذکر آن رفت مهاجرت نخبگان پدیده‌ای اجتماعی است که از یک سو عوامل متعددی در وقوع آن تأثیرگذار است و از سوی دیگر خود اثرات و پیامدهای آشکار و پنهان بسیاری بر پیکره جامعه مهاجرپذیر و مهاجرفرست بر جای می‌گذارد که تا سال‌های سال قابل شناسایی و بررسی است، چنان‌چه اگر تفکر و اندیشه مهاجران عاملی و سایر اندیشمندان شیعه ایرانی و غیرایرانی نبود، ممکن بود شیعه صفوی به سمت و سوی دیگر، به ویژه با گرایش‌های

صوفیانه متمایل می‌شد و تشیع در ایران ماهیت و سرنوشتی دگر می‌یافت.

نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، مجموعه‌عللی که جنبه دافعه یا جاذبه داشته، زمینه‌ساز مهاجرت علمای جبل عامل و نسطوری به ایران شده است. عواملی که با استناد به نظریه «لی» و نظریه جاذبه و دافعه، می‌توان آن‌ها را تحت عنوان عوامل مثبت یا جذب‌کننده و عوامل منفی یا دفع‌کننده مورد ارزیابی قرار داد. عوامل دفع‌کننده که در این‌جا مربوط به ویژگی‌ها و شرایط کشور مهاجرفرست است در نگاهی کلی در هر دو دسته مهاجرت علمای نسطوری و عاملی تقریباً تأثیری مشابه داشته است.

تهدیدات داخلی به علت مخالفت با عقیده و مرام این نخبگان که برای آن‌ها عواقبی نظیر صدور حکم ارتداد و مرگ را به دنبال داشته از یک سو و عدم اجازه فعالیت اجتماعی و سیاسی به آنان از سوی دیگر، سبب شد تا مهاجران برای رهایی از این شرایط نامساعد تصمیم به مهاجرت بگیرند. همچنین موقعیت ایران آن روزگار و شرایط نسبتاً مساعدی که در هر دو عصر ساسانی و صفویه برای انجام فعالیت‌های نخبگان و علما فراهم شده بود، مهاجرین را به سوی ایران سوق داد.

یافته‌های تحقیق در خصوص دوره زمامداری انوشیروان ساسانی نشان می‌دهد، انوشیروان علاقه بسیاری به تشکیل حاکمیتی علمی با مرکزیت ایران داشته و زمینه رشد و اعتلای علم و دانش در قلمرو حکومت وی فراهم بوده است، از این رو در این عصر دانشمندان بسیاری از اقصی نقاط جهان به ایران مهاجرت می‌کردند.

در عصر صفویه نیز بعد از سال‌ها حکومت اعراب بر ایران و تشکیل حکومت‌های محلی متعدد و ضعیف، دولتی مقتدر و یکپارچه حاکمیت ایران زمین را به دست گرفت که با اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور، رسماً به عنوان سدی نیرومند در مقابل حکومت مهاجم عثمانی قرار گرفت و در حقیقت ایران آن روزگار را به پناهگاهی مطمئن و امن برای مهاجران و علمای شیعه تبدیل کرد، که علمای جبل عامل نیز در زمره همین پناه‌جویان قرار داشتند.

آزار و اذیت علمای جبل عامل توسط حاکمان عثمانی و تهدیدات گاه و بیگاه آنان و برخی گروه‌های سیاسی و مذهبی از یک سو و شرایط جدید و مساعد ایران و دولت صفویه که مروج آیین شیعه بود از سویی دیگر، در مجموع عوامل مثبت و منفی بودند که برآیند آن تصمیم علمای جبل عامل مبنی بر مهاجرت به ایران شد. همان‌طور که «لی» در تئوری جاذبه و دافعه نیز بدان اشاره کرده است، مهاجرت برآیند عوامل برانگیزنده و بر حذر دارنده است که شرایط داخلی و یا

خارجی می‌تواند در زمره عواملی باشد که افراد را در تصمیم‌گیری خویش یاری رساند. افراد با جمع‌بندی موقعیت و شرایط جذب‌کننده و یا دفع‌کننده زادگاه خویش از یک سو و موقعیت سرزمین مهاجرپذیر از سوی دیگر و محاسبه سود و زیان این عمل، در نهایت تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. البته نکته جالب و اکتشافی که از تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق حاصل شده و می‌تواند فرضیه‌ای برای انجام تحقیقات بعدی باشد، این نظر است که هر جا دولت مقتدر و علم دوستی شکل گرفته، به دنبال آن سرچشمه‌های علم و دانش و تمدن بشری نیز جاری شده است. در واقع هر زمان که دولت مقتدری تشکیل شده و به استقرار صلح و آرامش در کشور همت گماشته، علاوه بر آن‌که زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای ایرانی فراهم شده است، مرزهای مهاجرتی نیز شکسته شده و انواع متنوعی از آن ظاهر شده، که مهاجرت علما و نخبگان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

از این رو فرضیه دولت مقتدر، زمینه‌ساز گسترش تمدن و علم است و یا تئوری دولت-تمدن قوت بیشتری می‌یابد^۱. بر این اساس، تمدن حاصل حاکمیت دولت‌های مقتدری است که زمینه شکوفایی استعدادها و توانایی‌های آحاد جامعه را فراهم می‌نماید، که این سرچشمه‌های تمدن می‌توانند تشنگان علم و دانش را به سوی سرزمین‌هایی که در آن جاری هستند، جذب نمایند. به نظر می‌رسد بحث در رابطه با این فرضیه که حاصل تجزیه و تحلیل یافته این تحقیق است، می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیقات آینده باشد که مجال آن در این مقاله نمی‌گنجد.

منابع

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، *مقدمه ابن خلدون*، (ترجمه محمد پروین گنابادی)، جلد اول و دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
آهنچی، آذر و محمود صادقی علوی (۱۳۸۹)، «نقش مذهب تشیع در روابط سیاسی قطب شاهیان و

۱. تئوری دولت و تمدن در صحنه عمل اجتماعی، به تقدم تأثیر دولت، برنامه و سیاست در شکل‌گیری شهر و توسعه آن، رشد و پیشرفت اقتصاد و حتی رشد علم معتقد است. بر اساس این نظریه باید در مقام تحلیل، سطح نظری ناب را که در آن فرهنگ، امر مقدم بر هر عامل دیگری است با مقام عمل اجتماعی از هم تفکیک کرد. در مقام نظر آبخور دولت، فرهنگ است. لکن در صحنه و مقام عمل اجتماعی این دولت است که امر فرهنگ و دانش را مدیریت می‌کند. لذا وقتی دولت مقتدری وجود داشته باشد که امنیت را تأمین کند، اجزا سازنده تمدن از جمله علم رشد می‌کند. این شرایط همانند عامل جاذبه، زمینه مهاجرت مردم و به دنبال آن نخبگان به آن کشور را فراهم می‌سازد. این آن چیزی است که تاکنون در دنیا اتفاق افتاده است، لذا یک روز مشرق زمین پذیرای نخبگان بوده و امروزه کشورهای غربی پذیرای نخبگان می‌باشند. برای فهم مبانی این نظریه رجوع شود به (ابن خلدون، ۱۳۸۵: ۳۳۶-۳۳۷ جلد اول و ۷۲۹، ۷۱۲، ۷۰۷، ۸۷۴ و ۸۸۱ جلد دوم).

- صفویان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۲۹، صفحات ۷-۳۲.
- جوردی، ریولا (۱۳۷۷)، «علمای جبل عامل در دولت صفویه، نقش حاشیه‌ای یا مهاجرت و تحول اجتماعی»، (ترجمه مصطفی فضائی)، *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۷.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و موسی عنبری (۱۳۸۳)، «تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۳، صفحات ۴۳-۶۸.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۵۳)، *حبیب‌السیر*، (به اهتمام جلال‌الدین همایی)، جلد ۴، تهران: انتشارات خیام.
- خوانساری، محمد باقر (۱۳۵۵)، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، (ترجمه محمد باقر ساعدی)، تهران: انتشارات اسلامی.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۲)، *غرب‌شناسی*، چاپ ششم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *مهاجرت*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی جلد اول اصول و مبانی*، چاپ دهم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سجادی، صادق (۱۳۷۶)، «جندی‌شاپور در دوره اسلامی»، *نشریه نامه پژوهش*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴، صفحات ۲۶۹-۲۸۸.
- صائمیان، صدیقه (۱۳۸۷)، «چالش‌های فرار مغزها»، *نشریه مدیریت*، سال نوزدهم، شماره ۱۳۷-۱۳۸.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱)، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری)*، چاپ اول، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کرستین سن، آرتور (۱۳۶۷)، *ایران در زمان ساسانیان*، (ترجمه رشید یاسمی)، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ک. بن، زابرت (۱۳۷۶)، *روش تحقیق موردی*، (ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی*، (ترجمه منوچهر صبوری)، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷)، *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، *نظریات مهاجرت*، شیراز: انتشارات نوید.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۴)، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ.
- Abrahamson, M. (2004), *Global Cities*, Oxford, Oxford University Press.